



## دنیا، سرزمین آنها

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نوشته فرانسوا دو وو دو فولتیبه

باشد، اما ما را از وجود تعداد زیادی کولی هندی در ایران مطلع می‌سازد. خوانندگی و نوازندگی، بیزاری از کارهای کشاورزی، علاقه به چادر نشینی و تا حدی دلدزدی از خصوصیات این کولیاها بود.

متنهای مذکور تنها اسنادی هستند که در آنها از کولیاها آواره در آسیا نام برده‌اند؛ بقیه داستان را باید با شواهد زبانی پر کرد.

کولیاها ایران واژه‌هایی را به واژگان خود افزودند که بعدها در لهجه‌های اروپایی رایج شدند. به همین خاطر جان سمپسن، زبان‌شناس انگلیسی، معتقد است که آنها به دو شاخه تقسیم شده‌اند. گروهی راه خود را به سمت غرب و جنوب شرقی ادامه دادند و گروه دیگر روبه شمال غرب نهادند. گروه اخیر ضمن سفرهای خود از ارمنستان و قفقاز گذشتند. در ارمنستان واژه‌هایی به زبان آنها افزوده شد که تا نقاط دوردستی همچون بیلز گسترش یافت؛ این واژه‌ها در زبان گروه اول وجود ندارند. ضمن عبور از قفقاز نیز واژه‌هایی از آنها وام گرفتند.

سرانجام آنها به اروپا و دنیای بی‌انس رسیدند. و از این زمان به بعد درباره کولیاها و بخصوص درباره آن دسته که به غرب و «سرزمین مقدس» سفر کردند اشارات

دانشمندان امروزی در اینکه منشأ کولیاها از هند بوده است تردیدی ندارند، اما بسیاری از مسائل در رابطه با گروه قومی، طبقه اجتماعی و دوران اولین مهاجرت آنها هنوز نیاز به بررسی دارند.

زبان‌شناسی بهترین رشته علمی جهت تعیین منشأ کولیان است، با اینکه انسان‌شناسی، طب و قوم‌شناسی نیز می‌توانند در این کار سهیم باشند.

اسناد و شواهد در مورد دوره‌ای که شاید بتوان آن را «دوره پیش از تاریخ کولیان» نامید بسیار محدود است. نویسندگان هند کهن صرفاً به خدایان و شاهان علاقه‌مند بودند و توجه چندانی به مردمی که تحت عنوان زات، جات، لولی، نوری یا دام نامیده می‌شدند نداشتند.

درباره اولین مهاجرت کولیاها به سمت غرب اطلاعات نسبتاً موثقی در دو کتاب فارسی، که در آنها اسطوره و تاریخ مهم درآمیخته‌اند، وجود دارد.

حمزه اصفهانی در کتابش که متعلق به اواسط قرن دهم میلادی است چگونگی ورود ۱۲۰۰۰ موسیقیدان زات را به ایران شرح می‌دهد. نیم قرن بعد همین داستان توسط فردوسی، مؤلف شاهنامه گفته می‌شود. داستان مذکور ممکن است تا حد زیادی افسانه‌ای

منشأ کولیاها قرن‌ها در راز و رمز پیچیده بود. این چادر نشینان تیره پوست با آداب و رسوم عجیب و غریب که امروز اینجا و فردا در جای دیگر بسر می‌برند همواره مورد کنجکاوی مردمان یکجانشین بوده‌اند و بسیاری از نویسندگان برای حل این معما فرضیه‌های بسی‌ربطی ساخته‌اند.

گرچه پژوهش‌های علمی قرن نوزدهم جواب این مسئله را داده است، با اینکه خیال‌انگیزترین اسطوره‌ها در این زمینه هنوز باقی است.

نظریات خرافی و فرضیه‌های ناستوار گوناگون نتوانسته است از پس مطالعه جدی زبان کولیاها برآید. از همان زمان رنسانس تعدادی از فضلا تصوراتی درباره این زبان داشته‌اند، اما نتوانسته‌اند گروه زبانی و منشأ مکانی آن را تعیین کنند. با اینکه در اواخر قرن هجدهم فضلا توانسته‌اند با استناد به شواهد علمی منشأ کولیاها را معین کنند.

از آن زمان به بعد زبان‌شناسان برجسته تحلیل فضلی مذکور را تأیید کرده‌اند. دستور زبان و واژگان زبان کولیاها به زبان سانسکریت و زبانهای زنده‌ای نظیر کشمیری، هندی، گجراتی، مراتی و نیپالی شباهت دارد.





بیشتری در مآخذ وجود دارد.

در سال ۱۲۲۲ دو مبلغ مذهبی به نامهای سیمون سیمونیس و هیوی روشن در کورت از وجود مردمی نام می‌برند که خود را از نژاد حام می‌دانسته‌اند؛ آنها پیرو کلیسای ارتدوکس یونانی بودند و همچون اعراب در چادرهای سیاه و کوتاه یا درون غارها زندگی می‌کردند. در یونان آنها تحت عنوان آتکینگانوس یا آتسینگانوس نامیده می‌شدند که از فرقه‌ای مطرب و فالگیر گرفته شده بود.

مردون، شهری مستحکم و بندری مهم در ساحل غربی شبه جزیره یلپونز، بندر مهمی بر سر راه مسافرت از ونیز به باقا و مرکز عمده‌ای جهت دیدار مسافران غربی با کولی‌ان بود. آنها «همچون حبشیان سیاه» بودند و به آهنگری و زندگی در کلبه گرایش داشتند. این ناحیه «مصر کوچک» نام داشت و شاید بدین خاطر آن را چنین می‌نامیدند که همچون دلنای رود نیل زمینی حاصلخیز در میان منطقه‌ای خشک بود. علت اینکه کولیها در اروپا مصری (Egyptian) یا جیتان (Gitan) یا جیسی (Gypsy) نامیده می‌شوند نیز همین است. رهبر آنها را معمولاً دوک یا کنت مصر کوچک (Lihle Egypt) می‌نامند.

یونان نیز واژه‌های تازه‌ای بر کولیا عرضه کرد، اما مهمتر از همه اینکه وجود سرزمین یونان به عنوان میزبان تعداد زیادی زائر از سراسر جهان مسیحیت شیوه جدیدی از زندگی را به کولیا نشان داد. آنها پی‌بردند که زائران به عنوان مسافرانی که از بعضی امتیازات برخوردارند تلقی می‌شوند و در نتیجه آنها نیز هنگامی که دوباره به سیر و سفر پرداختند توانستند خود را به عنوان زائر معرفی کنند.

اغلب کولیا پس از توقفی طولانی در یونان و کشورهای همسایه آن نظیر ولایات رومانی و مصرستان به سفر خود به سوی غرب ادامه دادند. کولیا در ایالاتی که در آنها جنگ رخ داده و بارها بین ارتش بیزانس و عثمانی دست به دست شده بود موقعیت راحتی نداشتند. شرح مهاجرت‌های آنها و تلاشی که برای کسب اعتماد حاکمان مذهبی و غیرمذهبی ایالات از خود نشان می‌دادند شاهدهی

بر طبق یک ضرب‌المثل مجارستانی «کولی بدون اسب کولی نیست». کولیها در سراسر اروپا از بوسفور تا اقیانوس اطلس تجارت اسب را در دست داشته‌اند. حتی امروز نیز اسب برای کولی نه تنها یک وسیله سواری و حمل بار یا کالایی برای فروش، بلکه دوستی واقعی نیز به شمار می‌آید. عکس فوق یک کولی را در حال به نمایش گذاشتن طرز راه رفتن اسبش در خیابان ابل پای در وستمورلند انگلستان، که در آنجا هر سال بازار مکاره مشهوری برای فروش اسب در سطح جهان تشکیل می‌شود، نشان می‌دهد.

بر این مدعاست. در این سفر نامه‌ها گفته می‌شود که چگونه آنها بعد از ترک مصر بیدینی را کنار گذاشتند و به مسیحیت گرویدند. سپس دوباره به بت‌پرستی روی آوردند و آنگاه تحت فشار شاهان دوباره مسیحی شدند. آنها مجبور بوده‌اند که جهانگردی خود را تحت عنوان زائر انجام دهند.

در سال ۱۴۱۸ گروه‌های کثیری از آنها از مجارستان و آلمان گذشتند و امپراتور سیگسموند به آنها امان نامه داد. آنها سپس به وستفالی، به شهرهای آزاد شمال و سواحل بالتیک رفتند و از آنجا دوباره رو به سوی جنوب نهادند و قبل از ورود به سویس از لایپزیک و فرانکفورت امپاین گذشتند.

در ۱۴۱۹ از مرزهای سرزمینی که امروزه فرانسه نام دارد عبور کردند. گفته شده است که آنها در ۲۲ اوت گذرنامه صادر شده از جانب امپراتور و دوک ساووارا در شاتین — آن — دام و در روز بعد از آن در ماکون و در اول اکتبر در سینترون نشان دادند. سه سال بعد گروه‌های دیگری از کولی‌ان از فروبومان گذشتند و شهروندان آراس را به شگفتی وا داشتند. اما در اینجا نیز همچون ماکون به آنها توضیح داده شد که وارد زمین‌هایی شده‌اند که به شاه تعلق دارد و امان نامه صادر شده از جانب امپراتور در این مورد بی‌فایده است.

آنها دیگر تشخیص داده بودند که چنانچه بخواهند به سفر خود در سراسر دنیای مسیحیت ادامه دهند نیاز به

مجوزی دارند که از لحاظ جهانی معتبر باشد، یعنی مجوزی از جانب پاپ. در ژوئیه ۱۴۹۲ دوک آندره همراه با گروه بزرگی از ملتزمین از بولونیا و فلوری گذشت و اعلام کرد که قصد دیدار با پاپ را دارد.

اما نه تاریخ‌های رومی و نه آرشیه‌های واتیکان هیچیک از این دیدار در پایتخت جهان مسیحیت ردپایی به دست نمی‌دهند.

با اینهمه کولیا پس از بازگشت شرح می‌دهند که چگونه پاپ آنها را پذیرا شد و نامه‌هایی از جانب سارترین پنجم به آنها داده شد.

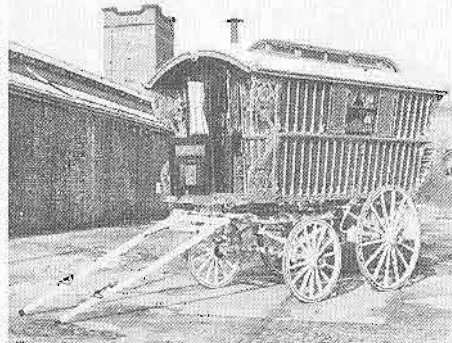
آیا حرف آنها معتبر بوده است؟ صرف‌نظر از درستی یا نادرستی این موضوع، نامه‌هایی که از جانب پاپ به این گروه‌های مصری داده شد بیش از نیم قرن آنها را مجبور ساخت و آزادی سفر در نقاط دلخواه را برای آنان فراهم آورد.

در اوت ۱۴۲۷ کولیا برای اولین بار در مقابل دروازه‌های پاریس که در آن زمان در اشغال انگلیسها بود ظاهر شدند. آنها به مدت سه هفته در لاشابل سن‌دنی چادر زدند و جمعیتی انبوه با کنجکاری به دیدن آنها آمدند. اتفاقات نامطلوبی در این جریان رخ داد؛ هنگامی که کولی‌ان جادوگر و تردست مشغول کف‌بینی بودند کیف‌هایی چند ناپدید شدند. اسقف پاریس مردم را به خاطر سست اعتقادی و خرافاتی بودن شدیداً سرزنش کرد، و کولی‌ان مجبور شدند آنجا را ترک کنند و راه بوتواز را در پیش گیرند.

کولیا با سرعت سراسر فرانسه را پی‌بوندند. بعضی از آنها با اعلام اینکه می‌خواهند از سانتیاگو دوکومپوستلا زیارت کنند به آراگون و کاتالونیا رفتند. آنها از کاستیل گذشتند و به اندلس رفتند و در آنجا بسود که دوک‌ها و کنت‌های کولی مورد استقبال با شکوه کنت میگوئل لوکاس ایرانزو، حاکم و صدراعظم کاستیل، قرار گرفتند و در قصر او در شهر خائن از آنها پذیرایی شد.

۱ — اشاره به تشابه Egyptian به معنای مصری یا gypsy به معنای کولی است. — م





کولپها در طی قرن‌ها انواع ارباه‌ها و جادرها را جهت سفر و سکونت به کار برده‌اند، اما ارباه‌های واقعی آنها تحت عنوان وارو اول بار در اواسط قرن نوزدهم در انگلستان ساخته شدند. گرچه امروز اکثر ارباه‌ها به صورت واگنهای موتوردار درآمده‌اند، بسا اینسهمه ارباه‌های اسی نیز هنوز در بسیاری از کشورها به کار می‌رود. بین حدود سالهای ۱۸۷۵ و ۱۹۲۰ کالسگه زرف و پیشرفته‌تری به نام «کالسگه ردینگ» در ردینگ واقع در برکشایر انگلستان ساخته شد که بسیار مورد بستد عمومی واقع شد. کالسگه‌های شیک‌تر، نظیر آنچه در عکس فوق نشان داده شده است، دارای تزئینات و کنده‌کاریهای فراوان بودند.

افریقا و امریکا اسکان گزیدند، اما این کار هرگز به‌طور کامل از روی میل نبود.

اسپانیا تعداد زیادی از کولیان را به آن سوی اقیانوس اطلس فرستاد و پرتغال نیز از اواخر قرن شانزدهم به بعد تعداد کثیری از آنها را به آنگوره، ساوتوم، رأس‌الاحضر و بیشتر از همه به برزیل روانه کرد.

در قرن هفدهم کولپها را از اسکاتلند به جامائیکا و باربادوز فرستادند تا به کارهای کشاورزی مشغول شوند و در قرن هجدهم نیز به ویرجینیا فرستاده شدند.

در دوران فرمانروایی لوسی چهاردهم و بر طبق فرمان او کولپها، مشروط بر اینکه به «جزایر امریکا» بروند از بردگی کردن به عنوان مجازات آزاد شدند. در میان مهاجرنشینانی که در هیئت هندیان جهت آبادسازی لوئیزیانا ثبت‌نام کرده بودند تعدادی بومی نیز وجود داشت. اینها نیز همچون سایر مهاجرنشینان در نیو اورلئان ساکن شدند. یک قرن بعد نوادگان آنها که در بیلوکسی لوئیزیانا ساکن شده بودند هنوز به فرانسوی صحبت می‌کردند.

از اوائل قرن نوزدهم به بعد تعداد کثیری از خانواده‌های کولی آزادانه از اروپا به امریکا مهاجرت کرده‌اند. این خانواده‌ها را در کانادا، کالیفرنیا، حومه‌های نیویورک و شیکاگو، در مکزیک، امریکای مرکزی، و در جنوب در آرژانتین و شیلی می‌توان دید.

آنها عملاً به همان کارهایی اشتغال دارند که در اروپا انجام می‌دادند و به شعائر خود نیز کماکان ادامه می‌دهند و به هر کجا که می‌روند احساس غریبی نمی‌کنند، زیرا همه‌جا سرزمین آنهاست.

فرانسوا دو و دو فولتیه، متخصص آرشیو و مورخ فرانسوی، سابقاً مدیر آرشیوهای سن و شهر پاریس بوده است. فولتیه در تاریخ کولپها پژوهش کرده، با آنها زیسته و در سفرهای آنها شرکت کرده است. بعضی از کارهای منتشر شده او درباره کولپها عبارتند از تاریخ هزارساله کولیان (۱۹۷۰) و بومنی‌ها در قرن نوزدهم (۱۹۸۱). مقاله حاضر از کتاب اخیر او تحت عنوان دنیای کولپها (۱۹۸۳) که توسط انتشارات برگر - لوور پاریس چاپ شده استخراج شده است.



کولپها در طی اوتراق طولانی‌شان در یونان در محلی معروف به «مصر کوچک» (معادل Little Egypt که نامهای gitam, gypsy و غیره به معنای کولی در اروپا از آن مشتق شده‌اند) می‌بردند که زائران عازم «سرزمین مقدس» از امتیازات خاص مسافران زائر برخوردار بودند. بعدها آنها نیز در سفرهای خود به غرب خود را اغلب به عنوان زائر معرفی می‌کردند. چنین بود که اولین رهبران کولپها که در قرن پانزدهم عازم اسپانیا شدند اعلام داشتند که به زیارت کلیسای کومپوستلا می‌روند. عکس فوق برج کلیسای جامع سانتیاگو دو کومپوستلا را واقع در شمال غربی اسپانیا نشان می‌دهد؛ منبت فوق اثر هنرمند آلمانی مایکل ولگموت (۱۴۳۴ - ۱۵۱۹) می‌باشد که در ۱۴۹۱ ساخته شده است.

بعضی از گروههای کولیان از سوئد به فنلاند و استونی مهاجرت کردند. در همین زمان «کولیان کوهنشین» از سوی لهستان و دوک‌نشین لیتوانی، و «کولیان دشت‌نشین» از سوی آلمان مورد استقبال قرار گرفتند.

در حدود سال ۱۵۰۱ دسته‌هایی از کولیان در جنوب روسیه در سفر بودند؛ گروهی دیگر از لهستان گذشتند و به اوکراین رفتند. سرانجام در ۱۷۲۱ کولپهای دشتهای لهستان به توپولسک، پایتخت سیریی، رسیدند. آنها اعلام کردند که مقصدشان رفتن به چین است. اما حاکم آنجا مانع ادامه سفر آنها شد.

به این ترتیب در فاصله قرنهای پانزده و هجده تمام کشورهای اروپا کولیانی را در خود پذیرفته بودند. با اینکه آنها حتی در نقاط دورستی همچون مهاجرنشینهای

تعدادی از نویسندگان بدون ارائه کوچکترین مدرک ادعا کرده‌اند که کولپها از راه دریا و از طریق ساحل آفریقا از مصر به اسپانیا رسیدند. اما کولپهای اسپانیا در زبان خود هیچ واژه عربی نداشتند و شرح برنامه سفر آنها نیز گویای همین امر است. زیرا در آن آمده است که کولپها پس از رسیدن به اسپانیا گفته‌اند که پاپ، شاه فرانسه و شاه کاستیل از آنها حمایت کرده‌اند.

از سیگانو (کولی) های پرتغال اول بار در متون ادبی آغاز قرن شانزدهم نام برده شده است. در همین زمان کولپها در اسکاتلند و انگلستان پیاده شدند، اما راهی را که برای رسیدن به آنجا پیوموند نامعلوم است. احتمالاً آنها در انگلستان در مقایسه با اقامت قبلی‌شان در آلمان، فرانسه و فروروبان مورد استقبال کمتری قرار گرفتند، زیرا تا آنجا که می‌توان به خاطر آورد شیوه زندگی جینی‌بندزنان دوره گرد جزایر بریتانیا چندان دور از زندگی کولیان نبوده است.

کولیانی که در ایرلند اقامت گزیدند روزگار سخت‌تری داشتند. جینی‌بندزنان دوره گردی که قبلاً به تعداد زیاد در ایرلند وجود داشتند تازه واردها را رقیب تلقی کرده تمام کوشش خویش را در جهت راندن آنها به کار گرفتند.

کنت آنتوان جاگینو از «مصر کوچک» در ۱۵۰۵ با قایقی اسکاتلندی به دانمارک رسید. جیمز چهارم، شاه اسکاتلند، توصیه او را به جان، شاه دانمارک، قویاً کرده بود. در ۲۹ سپتامبر ۱۵۱۲ شخصی به نام کنت آنتونیوس، که باید همان کنت آنتوان باشد، در برابر تعجب فوق‌العاده اهالی به‌طور رسمی وارد استکهلم شد.

اولین کولیانی که در ۱۵۴۴ وارد نروژ شدند از چنین توصیه‌هایی برخوردار نبودند. آنها زندانیانی بودند که انگلیسیها آنها را بزور سوار کشتی کرده، از شر آنها خلاصی شده بودند. همانطور که سایر کولپها در انگلستان و اسکاتلند با جینی‌بندزنان دوره گرد و بومی روبرو شده بودند، این کولپها نیز با هم‌تایان آنها در نروژ، یعنی فانترها، برخورد کردند.

امروزه تمام کارشناسان عقیده دارند که مستأ کولپها از نهبه قاره هند بوده است، اما درباره تاریخ آغاز مهاجرت طولانی آنها به غرب (که عموماً آن را در حدود هزار میلادی می‌دانند) اطمینان کمتری دارند. کولپها ابتدا در سراسر اروپا و سرانجام در سراسر دنیا پخش شدند. عکس زیر دهکده قدیم بور پاکستان را واقع در ساحل چپ رود سند نشان می‌دهد.

